



علیرضا دهشیری

بیانیه گام دوم چیستی، اهداف و ملزومات

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام یک حرکت تمدن ساز بود. این حرکت با پیروزی انقلاب اسلامی وارد مراحل ساخت نظام اسلامی شد و هم اکنون به تعبیر رهبر معظم انقلاب در مرحله‌ی دولت‌سازی به سر می‌برد، پس از این وارد مرحله‌ی جامعه‌سازی شده و در نهایت به تمدن اسلامی خواهد رسید. از این رو آغاز انقلاب اسلامی، با تمام فراز و نشیب‌های خود، به تعبیر امام خامنه‌ای، همراه با گام اول این حرکت شد و با آغاز دهه‌ی پنجم آن، گام دوم این حرکت تمدن ساز شروع شده است. قطعاً این مسیر را نسل جدید و نسل‌های آتی باید پیمایند. ایشان به منظور روشن کردن مسیر آینده برای آن‌ها و پرهیز از هر گونه انحراف، دستورالعملی را در قالب یک بیانیه صادر کرده‌اند. در این نوشتار ما به بررسی ماهیت این بیانیه خواهیم پرداخت.

بیانیه چیست؟

ولایت مصر منصوب می‌کنند، در نوشته‌های یک عقلانیت را به ایشان انتقال می‌دهند که او می‌تواند به‌وسیله‌ی آن جامعه‌ی مصر را اداره کند. یا در زمان شهادت حضرت، ایشان طی وصیتی که به حسنین علیهم السلام دارند یک عقلانیت را برای ادامه‌ی مسیر بعد از خود عنوان می‌کنند. علاوه بر عصر امامت، در عصر غیبت نیز این سنت وجود داشت. در زمان مراجع از این نمونه‌ها بسیار یافت می‌شود؛ برای نمونه می‌توانیم از عصر جدید، دوران معاصر، مثال بزنیم. حضرت امام در سال ۶۶-۶۷ کمتر به سخنرانی می‌پرداختند و بیشتر به کارهای نوشتاری می‌پرداختند و یک سری دستورالعمل‌هایی را صادر می‌کنند تا نسل بعدی بتواند براساس آن عقلانیت ادامه‌ی مسیر بدهد. از میان این موارد می‌توان به منشور روحانیت و یا وصیت‌نامه‌ی حضرت امام اشاره کرد.

پس تبیین‌نامه را این‌گونه می‌شود تعریف کرد؛ وقتی نسلی بخواهد عقلانیت حاصل شده از پیشش و نگرش صحیح و تجربیات اکتساب شده‌ی خود را به نسل بعدی انتقال دهد تا نسل بعدی براساس آن، راه را ادامه دهد اقدام به نوشته یا بیانی می‌کند که به آن گفتار تبیینی یا بیانیه‌ی تبیینی می‌گویند.

بنابر این حضرت امام برای اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی دستورالعملی را ارائه می‌فرمایند که نسل بعد می‌تواند بر اساس آن حرکت کند. مقام معظم رهبری نیز این کار را

بیانیه متنی است که شخص یا گروهی در آن اصول، عقاید و اهداف خود را بیان می‌کنند. رسمیت بیانیه‌ها، به بیان‌کننده‌ی آن‌ها و مطالب بیان شده در آن است. بیانیه را با تعبیر تبیین‌نامه نیز عنوان می‌کنند؛ به این معنا که نسل گذشته بینش و نگرش صحیح خود را که ناشی از تأملات عقلانی است و هم‌چنین تجربه‌های انباشته شده‌ی خود را از طریق گفتار و یا نوشتار به نسل بعد انتقال می‌دهد که به تبیین‌نامه تعبیر می‌شود. این در سنت اسلامی ما نیز وجود دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از واقعه‌ی غدیر که حضرت علی ابن ابی‌طالب علیه السلام را به عنوان وصی خود انتخاب کردند، حدیث ثقلین را به عنوان یک دستورالعمل بیان می‌کنند، تا آن به نسل بعدی انتقال داده شود. ایشان در این بیانیه می‌فرمایند: «من در میان شما کتاب خدا و اهل بیت خود را به ودیعه گذاشتم.» حتی ایشان هنگامی که در بستر بیماری قرار داشتند، قبل از وفات خود می‌فرمایند: «قلم و کاغذ بیاورید تا چیزی را بنویسم که بعد از من شما را نجات دهد.» در واقع ایشان در نظر داشتند عقلانیتی را انتقال دهند که براساس آن، مسیر قابل تداوم باشد.

نمونه‌های بارزی از بیانیه‌نویسی در تاریخ اسلام وجود دارد؛ به عنوان نمونه می‌توان به نامه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر اشاره کرد. وقتی حضرت، مالک اشتر را به

دعوت به مجاهدت یکی دیگر از موضوعاتی است که در سیاق بیانیه وجود دارد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اگر شما بخواهید این مسیر را طی کنید باید مجاهدت کنید و راه پرتلاشی را در این مسیر خواهید داشت.»

محورهای بیانیه

محورهای بیانیه بر اساس این سیاق شکل‌گیری شده است و موضوعات آن به شرح ذیل است:

اهداف

اولین موضوع، اهداف انقلاب اسلامی است که در مورد آن صحبت می‌شود. اهداف انقلاب اسلامی دارای ترتیب پلکانی است؛ به این معنا که تا اولی تحقق نیابد دومی محقق نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، همیشه هدف بعدی نتیجه‌ی هدف قبلی است. بنابر این برای رسیدن به هدف غایی انقلاب اسلامی که شکل‌دهی یک تمدن اسلامی است باید افراد یک سری مراحل پلکانی را طی کنند تا به این هدف والا برسند. تا این مراحل طی نشود تحقق آرمان انقلاب اسلامی امکان‌پذیر نیست. بنابر این به میزانی که افراد جامعه‌ی ایران این مراحل را عملیاتی کنند، به همان میزان به تحقق تمدن اسلامی نزدیک شده‌اند. تمامی این مراحل بخشی از اهداف انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. اولین هدف از اهداف انقلاب اسلامی رسیدن به کمال است. در انقلاب اسلامی باید افراد ابتدا خود را بر اساس آموزه‌های اسلامی بسازند و یکدیگر را در این امر تشویق کنند تا جامعه براساس موازین شرعی ساخته شود. به هر میزان که افراد در خودسازی و دیگر سازی تلاش و پیشرفت کنند به همان میزان به مرحله‌ی بعد نزدیک خواهیم شد.

هدف دوم تحقق جامعه‌ی سالم است. یکی از زیربناهای تمدن اسلامی سالم بودن جامعه بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام است. همان‌گونه که بیان شد رسیدن به جامعه‌ی سالم، بدون خودسازی و دیگر سازی افراد جامعه تحقق پیدا نمی‌کند؛ چون لازمه‌ی جامعه‌ی سالم، سالم بودن افراد آن جامعه از جهت اخلاق فردی و اجتماعی است. بدیهی است که اگر افراد جامعه خود را تربیت نکرده باشند دستورات دینی ملکه‌ی آن‌ها نشده باشد، هرگز جامعه‌ی دینی و انقلابی شکل نخواهد گرفت؛ همانند جامعه‌ی ایرانی در سال ۵۷، زمانی که امام توانست.

سومین هدف تحقق عدالت فراگیر است. زمانی که جامعه سالم شد قطعاً زمینه‌های تحقق عدالت در جامعه فراهم می‌شود. در این مرحله باید تلاش کرد تا عدالت برای همه افراد حاصل و در تمامی حوزه‌ها فراگیر شود. این امر زمانی تحقق می‌یابد که تمامی افراد جامعه خود را ساخته و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند. در واقع عدالت فراگیر، محصول جامعه‌سازی صحیح است.

در بیانیه‌ی گام دوم انجام می‌دهند. ایشان این کار را برای نسل بعدی انجام می‌دهند؛ چون ادامه‌ی راه انقلاب اسلامی بر روی دوش نسلی است که از آن به نسل سوم می‌شود و شاید نسل چهارمی‌ها تعبیر می‌شود.

حضرت آقا در این بیانیه می‌فرمایند: «حرکت تمدن‌سازی که شروع شده، دارای گذشته‌ای است که از آن به گام اول تعبیر می‌کنند و می‌گویند در این مسیر تمدن‌سازی، عقلانیتی کسب شد که آن محصول همه تأملات عقلانی دقیق است و از آن به گام اول تعبیر می‌کنند. ما این تجربیات را می‌خواهیم در اختیار نسل بعدی قرار دهیم تا براساس آن حرکت تداوم پیدا کند تا به تمدن اسلامی برسند.»

مخاطب بیانیه

از آن‌جایی که این بیانیه برای نسل بعدی است و دارد این تجربیات را دارد به آن‌ها انتقال می‌دهد، پس خطاب آن به جوانان است و به آن‌ها می‌گوید این بار، از این پس بر دوش شما ست و شما باید این حرکت و نهضت را ادامه دهید.

سیاق بیانیه

سیاق بیانیه یک ادبیات امیدوارانه است. از ابتدای بیانیه تا انتهای آن امید ظهور و بروز دارد. مقام معظم رهبری حرکت به سمت هدف را؛ که تمدن اسلامی است قابل تحقق می‌داند و برای این هم استدلال می‌آورند. ایشان در جای جای بیانیه برای گام دوم، روحیه‌ی امیدواری و نشاط ایجاد می‌کنند.

نکته‌ی بعدی که از بیانیه برداشت می‌شود تکلیف‌مداری است. در این بیانیه یک تکلیف بر روی دوش نسل بعدی گذاشته می‌شود. مقام معظم رهبری در بیانیه تکلیفی را که تا امروز بر روی دوش نسل قبلی بوده است-هر چند الان نسل قبلی هنوز حضور دارد و نسبت به حرکت به سمت تمدن اسلامی تکلیف دارد- و میانداری اصلی را از اینجا به بعد بر عهده‌ی نسل جدید و بعدی می‌گذارند و می‌گویند نسل اول و دوم انقلاب دیگر در کنار نسل سوم می‌ها و کمک کار آن‌ها خواهند بود. میدان‌دار اصلی نسل جدید هست و تکلیف تداوم راه بر دوش آن‌ها خواهد بود. ایشان باری را بر روی دوش نسل بعدی می‌گذارند و می‌فرمایند شما با امید به آینده می‌توانید این بار را به مقصد برسانید.

در سیاق بیانیه، مخاطب اصلی جوانان هستند و محور و نقش اصلی، در ادامه‌ی این حرکت مقدس به عهده‌ی آن‌ها گذاشته شده است و از آن‌ها انتظار دارد کل این نظام را اداره کنند؛ اما جایگاه و نقش جوان‌ها در این حرکت مختلف است؛ برخی داخل حاکمیت بوده و دارای پست‌های مسئولیتی و حاکمیتی هستند. حتی افراد خارج از حاکمیت نیز دارای مسئولیت هستند. به هر حال این قشر جوان است که باید این مسیر را ادامه دهند.

نسل اول و دوم انقلاب

دیگر در کنار نسل

سومی‌ها و کمک کار

آن‌ها خواهند بود.

میدان‌دار اصلی نسل

جدید هست و تکلیف

تداوم راه بر دوش

آن‌ها خواهد بود.

چهارمین هدف رفاه عمومی است. وقتی عدالت فراگیر شد، نیازهای مادی عقلانی برای همه‌ی افراد جامعه تأمین می‌شود. زمانی که افراد جامعه خود را مقید به رعایت عدالت بدانند و به حقوق دیگران احترام بگذارند، افراد جامعه‌ی بشری به راحتی می‌توانند به نیازهای خود دسترسی داشته باشند. وقتی نیازهای مادی افراد تأمین شد، رفاه عمومی محقق می‌شود.

پنجمین هدف صلح بین‌الملل است. زمانی که افراد به راحتی می‌توانند نیازهای خود را تأمین کنند و در رفاه هستند، دیگر نیازی به جنگ و ستیز نیست. لذا جامعه‌ی بشری در صلح و آرامش زندگی می‌کنند و هیچ اختلافی بین آن‌ها وجود نخواهد داشت.

ششمین هدف امنیت عمومی است. طبیعی است وقتی نیازهای افراد تأمین و بین جامعه‌ی بشری صلح برقرار شد، همه‌ی افراد احساس امنیت می‌کنند و اطمینان دارند که به حقوقشان تعدی نمی‌شود. بنابر این امنیت عمومی در جامعه تأمین خواهد شد.

هفتمین هدف آرامش است. وقتی افراد جامعه از هر جهت احساس امنیت کرده و نیازها و حقوقشان تأمین بود و هیچ‌گونه استرس و نگرانی وجود نداشت، آن‌گاه آرامش برای افراد حاصل خواهد شد. در این مرحله است که افراد به تعبیر قرآن به نفس مطمئنه خواهند رسید.

اگر جامعه این مراحل را طی کند و به اطمینان و آرامش نفس برسد، سعادت و کمال انسانی حاصل می‌شود؛ چون سعادت محصول مجموعه‌ی این اهداف است. مقام معظم رهبری در این بیانیه در مرحله‌ی اول به اهداف می‌پردازد و به نسل بعدی می‌فرماید که این اهداف انقلاب اسلامی چه بوده است. این اهداف همان آرمان‌های فطری بشری است که فطرت بشر در پی آن است؛ از این جهت چون نیازهای معنوی یک حالت تدریجی دارد، افرادی که بر اساس آموزه‌های دینی در پی رسیدن به آن اهداف باشند، نیازهای مادی را پیش‌نیاز نیازهای معنوی قرار می‌دهند.

شیوه‌ی دسترسی به آرمان‌ها

مسئله‌ی بعدی این است که جامعه‌ی بشری براساس چه روشی می‌تواند به این آرمان‌ها دسترسی پیدا کند. طبیعی است رسیدن به تمدن اسلامی فقط بر اساس مبانی دینی و اسلامی امکان پذیر است؛ چون آموزه‌های دینی می‌تواند عقلانیت بسیار دقیقی را برای رسیدن به تمدن اسلامی ایجاد کند. حضرت امام در وصیت‌نامه‌ی خود به این موضوع اشاره و حضرت آقا هم به‌گونه‌های مختلف و با ادبیات دیگری در این بیانیه؛ به نام سبک زندگی، معنویت و مسائل دیگر، اشاره می‌کنند. فقط از طریق عمل به این چهار اصل رسیدن به این آرمان‌ها امکان‌پذیر است. غیر از این طریق نمی‌توان به آن آرمان‌ها؛ یعنی کمال و جامعه‌ی سالم رسید. اولین اصل از این چهار اصل؛ پذیرش ربوبیت

الهی؛ اعم از ربوبیت تکوینی و تشریحی و فهم ولایت ربوبی تکوینی و ولایت تشریحی است. دومین اصل، پذیرش سلسله مراتب ولایت الهی است. به تعبیر قرآن اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر، که به ترتیب همان ولایت خدا، رسول خدا، و اولی الامر است. حضرت امام در وصیت نامه‌ی خود می‌فرماید: «اگر بخواهید نجات پیدا کنید باید به حدیث ثقلین متمسک باشید. در واقع ثقلین که قرآن و عترت است»؛ قرآن عنصر برنامه‌ساز برای ما و ولایت که همان پیروی از عترت و جانشینان آن‌ها، عنصر ساختارساز برای ما است؛ به عبارت دیگر قرآن برنامه برای نجات بشریت است و ولایت مأمور برای نجات بشریت است. اصل سوم رعایت امر به معروف و نهی از منکر است. این اصل، در واقع هم برای ساخت درون خود انسان و هم در ساخت بیرونی مؤثر است. اصل چهارم از آن اصول، عمل صالح به صورت فردی و جمعی است. ما براساس این چهار اصل می‌توانیم به آن آرمان‌ها برسیم و یک تمدن اسلامی را برپا کنیم و در داخل این تمدن آن اهداف تحقق پیدا می‌کند و زندگی با سعادت برای بشر حاصل می‌شود؛ یعنی یک زندگی که در آن نیازهای مادی تأمین می‌شود و تأمین نیازهای مادی زمینه‌ی معنویت را آماده می‌کند.

مقام معظم رهبری در این بیانیه به نسل ما می‌گوید بینش صحیح برای رسیدن به آرمان‌ها این است و بینش صحیحی که نسل ما باید به نسل بعدی انتقال بدهد نیز همین است. ایشان نیز می‌فرمایند: «تمام تلاش‌های اندیشمندان‌ای که انجام داده‌ایم به این نتیجه رسیدیم که محال عقلی است بدون رعایت این چهار اصل بتوان به آن آرمان‌ها رسید؛ یعنی اگر شما نسل بعدی، می‌خواهید به آن آرمان‌ها برسید، باید این چهار اصل را رعایت کنید.

کجا بودیم

نکته‌ی دیگری که مقام معظم رهبری در این بیانیه عنوان می‌کنند این است که ما نسبت به این آرمان‌ها کجا بودیم؟ این نیازمند به تفسیر است که گذشته‌ی ما نسبت به این آرمان‌ها در چه وضعیتی قرار داشته است. ایشان در سه عبارت این وضعیت را بیان می‌فرمایند: «که ما تجربه‌ای نداشتیم، همه چیز علیه ما بود و هیچ امکاناتی هم نداشتیم. این نیازمند به توضیح و تبیین برای جامعه است.» آقا هم به این تبیین اشاره می‌کنند. البته ایشان در بیانیه فقط چند مورد از این وضعیت را مطرح کرده و قصد ندارند تمامی موارد را جمع کنند، بلکه نمونه‌هایی را برای مثال می‌آورند که ما در چه وضعیتی قرار داشتیم.

به کجا رسیدیم

نکته‌ی بعدی در این بیانیه تبیین این مسئله است که ما در طی این مدت چهل سال نسبت به این آرمان‌ها به کجا رسیده‌ایم. در بیانیه ضمن اشاره به ظرفیت‌هایی



که انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف ایجاد کرده؛ بیان می‌شود که این ظرفیت‌ها زمینه‌هایی را برای رسیدن به آرمان‌ها فراهم کرده است. این ظرفیت‌ها قبل از انقلاب اسلامی وجود نداشته است. همین خلأ موجب شده که افراد انقلابی تلاش کنند آن ظرفیت‌ها را ایجاد کنند. این یک قاعده‌ی کلی در حرکت بشر به سوی تکامل است که در دوره‌های قبل یک سری از ظرفیت‌ها وجود نداشته و آن‌ها بر اساس احساس نیاز به آن ظرفیت‌ها، آن‌ها را برای نسل‌های بعد ایجاد کردند و آن نسل بعدی می‌تواند با اتکالی به آن ظرفیت‌ها گام‌های بعدی را بردارد. مقام معظم رهبری عنوان می‌کنند که چگونه ما توانستیم به این‌جا برسیم و می‌فرمایند نیروهای انقلابی فقط با روحیه مجاهدت‌ها، فداکاری‌ها و به کارگیری عقلانیتی که از گذشتگان دریافت کردند، توانستند این کار را انجام دهند. حضرت آقا در بیانیه به این موضوع هم می‌پردازند که آن حرکت اشتباهاتی هم داشته است. البته این اشتباه‌های نسل قبل تجربه‌ای برای نسل بعدی می‌شود. ایشان در بیانیه به برخی از اشتباهات اشاره می‌کنند. هر چند ایشان در بیانیه اشتباهات را لیست نمی‌کنند؛ ولی آن‌جا خیلی ظریف به برخی از آن‌ها؛ مانند تعبیر «عدم خودباوری ضربه زده است» اشاره می‌کنند. ایشان در تعابیر خود خواسته‌اند تا اندازه‌ای شأن آن افرادی را که اشتباه کرده‌اند حفظ کنند؛ لذا با تعبیر ضربه زده این اشتباه را بیان می‌فرمایند. ایشان عدم خودباوری عده‌ای را که تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتند با تعبیر ضربه زدن بیان می‌فرمایند. از موارد دیگر تعبیر سبک فرهنگی تحت تأثیر تهاجم فرهنگی قرار گرفتن است. این‌ها نقاط اشتباهاتی است که نسل گذشته انجام داده و این باید برای نسل بعد یک تجربه بشود.

تکالیف نانوشته

مقام معظم رهبری در بیانیه می‌فرمایند که نسل قبلی، با مجموعه‌ی اشتباهات و موفقیت‌هایی که داشت، تلاش کرد تا به این‌جا رسید. اما این پایان کار و انتهای تمدن اسلامی نیست. بلکه ما فقط گام‌هایی را در تحقق تمدن اسلامی برداشتیم؛ اما برخی از گام‌ها باقی مانده که نانوشته است. از این رو ایشان به این بخش نانوشته‌ها اشاره می‌کنند و می‌گویند اگر شما بخواهید به تمدن اسلامی برسید باید به بعضی از موضوعات بپردازید که الان به آن‌ها نیازمند هستید. مواردی را؛ مانند ایجاد ساختارهای متناسب، گسترش برخی از ساختارهای موجود، توسعه و پیشرفت و... مطرح می‌فرمایند. به هر حال ما باید در تمام حوزه‌ها پیشرفت داشته باشیم، مراتب کمالی تمدن اسلامی را چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی باید رعایت کنیم و ابزارهای متناسب با خود را تولید کنیم. البته خود این هم دو مرتبه نیازمند تبیین و نوشتن این تکالیف نانوشته است.

ملزومات گام دوم انقلاب اسلامی

در این‌جا این سؤال مطرح می‌شود که ما این تکالیف را چگونه باید بنویسیم؟ در این بخش مقام معظم رهبری به ملزومات هفتگانه اشاره می‌کنند و آن‌ها را به عنوان اولویت‌های ما در این مسیر مطرح می‌کنند؛ یعنی نسل آینده که می‌خواهد به سمت تمدن اسلامی گام بردارد باید این اولویت‌ها را رعایت کند. بنابراین برای برداشتن گام دوم انقلاب اسلامی پرداختن به این اولویت‌ها ضروری است. عمدتاً در بیان الزامات در قالب ذکر برخی از نمونه‌ها به بخشی از اولویت‌ها پرداخته شده است؛ مثلاً در سبک زندگی از جهت اقتصادی؛ باید عدالت ایجاد و با فساد مبارزه شود. سپس به یک سری ظرفیت‌هایی که انقلاب ایجاد کرده است، اشاره و بعد به چالش‌های بیرونی و درونی که با آن مواجه هستیم می‌پردازند. بعد هم مقام معظم رهبری نسبت به آن‌ها توصیه‌هایی دارند و می‌فرمایند اگر این کار را بخواهید انجام بدهید باید به این توصیه‌ها توجه داشته باشید. باز تأکید می‌کنیم که حضرت آقا در بخش توصیه‌ها هم همه‌ی راه کارها را نمی‌خواهند ارائه بدهند، فقط شاهد و مثال می‌آورند و می‌گویند راه کارها را باید آن‌جا جستجو کنید؛ یعنی شما با مشکلات ساختاری، رفتاری، مدیریتی و... مواجه هستید و باید با یک آسیب‌شناسی متناسب و با استفاده از ظرفیت‌های به‌دست آمده در گام اول، برای حل این مشکلات برنامه‌ریزی و اقدام کنید.

خلاصه‌ی مطلب

بیانیه‌ی گام دوم نوشته‌ای است برای انتقال عقلانیت به دست آمده از بینش و نگرش صحیح و انباشت تجربه‌هایی که به سنت تبدیل شده است؛ یعنی آن قدر این تجربه‌ها تکرار شده که گویا رابطه‌ی علی و معلولی بین آن پیدا شده که هر موقع این اتفاق بیفتد آن اتفاق هم می‌افتد. منظور از سنت؛ تکرار عقلانیت انباشته از تجربیات است. وقتی این سنت به‌وجود آمده از یک نسل می‌خواهد به نسل بعدی انتقال پیدا کند با سیاقی این کار انجام می‌گیرد که به آن سیاق بیانیه می‌گویند. چون مخاطب این بیانیه و سیاق، نسل بعدی است و او می‌اندازد آن خواهد شد؛ لذا سیاق آن امیدوارانه و با امید است. نسل بعدی که می‌خواهد گام‌های بعدی را بردارد، اگر بخواهد اشتباهاتی را که قبلاً انجام گرفته است، درست کند، به این معنا نیست که با آن نظام سیاسی؛ مثلاً انقلاب اسلامی مقابله کند، بلکه باید با همین نظام موجود و در تداوم آن؛ مشکلات را از سر راه آن نظام بردارد و آن اشتباهات را تجربه‌ی خود در ادامه‌ی راه قرار دهد. بنابر این چون هدف انقلاب اسلامی هم همین اهداف و بآن همگام است، دیگر نیاز نیست که برای برداشتن گام بعدی در مقابل آن ایستاد، بلکه از طریق تداوم انقلاب اسلامی می‌شود مشکلات را از سر راه برداشت. در نهایت برای تداوم بهتر و سریع‌تر حرکت، لوازمی عنوان می‌شود که آن همان ملزومات برداشتن گام دوم است.

رسمیت بیانیه‌ها، به بیان‌کننده‌ی آن‌ها و مطالب بیان‌شده در آن است. بیانیه را با تعبیر تبیین‌نامه‌نیز عنوان می‌کنند؛ به این معنا که نسل گذشته بینش و نگرش صحیح خود را که ناشی از تأملات عقلانی است و همچنین تجربه‌های انباشته‌شده‌ی خود را از طریق گفتار و یا نوشتار به نسل بعد انتقال می‌دهد که به تبیین‌نامه تعبیر می‌شود.